



رامین جهان پور- در میان نویسندگان معروف و بزرگ جهان «ژول ورن» فرانسوی را می‌توان مهم‌ترین نویسنده داستان‌های دریایی نامید. ژول‌ورن بیش از ۸۰ رمان علمی-تخیلی در کارنامه داستان‌نویسی خود دارد، اما بخش اعظم سوره‌های او را مقوله دریا تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه در زمان زندگی ژول‌ورن اکثر سفرها از طریق دریا صورت می‌گرفت، شاید یکی از دلایل دریایی شدن رمان‌های او همین باشد، اما از علاقه‌شدید بی‌حد و مرز این نویسنده به حرفه دریانوردی هم نمی‌توان غافل شد. اولین شغلی که ژول‌ورن در نوجوانی برای زندگی خود انتخاب کرد ملوانی بود. اگرچه پدرش وکیل سخت‌گیری بود و از ملوان شدن او جلوگیری کرد اما بعدها که بزرگ‌تر شد سفرهای دریایی‌اش را برای کسب تجربه آغاز کرد. وی در جوانی با یک دریانورد مسرد و گرم چشیده به نام «آراگو» آشنا شد. آراگو در هر ملاقاتی که با هم دریکی از کافه‌های دنج شهر پاریس داشتند، یکی از سرگذشت‌های عجیب خود را از سفر به دریا و جزایر ناشناخته برای ژول‌ورن تعریف می‌کرد. همه آن سرگذشت‌های عجیب و شنیدنی منبع الهام بسیاری از رمان‌های مشهور ژول‌ورن شد. ساختار تعداد زیادی از کتاب‌های معروف ژول‌ورن از جمله جزیره اسرارآمیز، ناخدای ۱۵ ساله، کاپیتان تراس، ۲۰ هزار فرسنگ زیر دریا، کشتی شکستگان، و فانوس دریایی بر محور دریا می‌چرخد.

گاهی به کتاب یکی از معروف‌ترین داستان‌های کلاسیک ژول‌ورن رمان ماندگار «فانوس دریایی» است که موضوع تحلیل امروز ماست. در یکی از جزیره‌های دور از مجمع‌الجزایر ماژلان، بر بالای کوه بزرگ آتشفشان و داخل یک برج بزرگ، یک فانوس دریایی تازه احداث قرار دارد. سه نگهبان به نام‌های واسکز، فیلیپ و موریس که آرژانتینی هستند به مدت سه ماه کار هدایت آن فانوس دریایی را به عهده دارند. یک کشتی بزرگ دیست تنی نظامی به نام «ستافه» به فرماندهی کاپیتان با تجربه‌ای که «لافایت» نام دارد ماموریت ساخت برج را به پایان رسانده و در حال برگشتن به پوینس آپرس است. کاپیتان لافایت باید تمام کارگران ساختمانی و وسایل و تجهیزات ساخت و ساز برج را به کشور آرژانتین برگرداند و پس از گذشت سه ماه به همراه سه نگهبان جدید دیگر مجدده به آنجا بازگردد. پس از خارج شدن کشتی بزرگ نظامی از جزیره، دوازده دزد دریایی مسلح که کسی از بودن آنها در اطراف آن جزیره خبر ندارد، شبانه به برج فانوس دریایی حمله می‌کنند و برج را به تصرف خود درمی‌آورند. در جریان درگیری دو تن از نگهبان‌های برج کشته می‌شوند اما یکی از آنها (واسکز) موفق به فرار می‌شود. او به تنهایی در داخل یکی از غارهای اطراف جزیره با بدترین شرایط زندگی‌اش را آغاز می‌کند او ناچار است صبر کند تا پس از سه ماه کشتی نظامی برای تعویض نگهبان‌ها به آن جزیره برگردد. دزدهای دریایی فانوس را از کار می‌اندازند تا کشتی‌هایی که از آنجا می‌گذرد مسیر را گم کنند و آنها بتوانند برای غارت حمله کنند. واسکز در روزهای آخر اقامت در جزیره بسا ملوانی روبرو می‌شود که پس از برخورد کشتی با صخره، به شدت زخمی شده و در حال مرگ است. نگهبان پنهان شده او را نجات می‌دهد. آن دو تصمیم می‌گیرند تا رسیدن کشتی نجات، حرکت دزدان دریایی را که قصد فرار دارند به تأخیر بیناندازند. آن دو نفر به کشتی دزدان شبیخون می‌زنند و کشتی را به وسیله دینامیت و مواد منفجره مورد حمله قرار می‌دهند. درست در واپسین لحظه‌هایی که غارتگران قصد بیرون رفتن از جزیره را دارند کشتی بزرگ کاپیتان لافایت از راه می‌رسد و....

داستان «فانوس دریایی» برخلاف بسیاری از آثار ژول‌ورن که ژانری علمی تخیلی دارند ساختاری کاملاً متفاوت دارد و با پیروی از سبک «رنالیسم» به رشته تحریر درآمده و ساختاری کاملاً واقعی و قابل لمس دارد. ماجراهای داستان آنقدر با مهارت توصیف شده که خواننده انگار تمام صحنه‌های حوادث کتاب را در قالب فیلمی پیش‌روی خود دارد. خصوصاً صحنه‌های درگیری محافظان فانوس با دزدان دریایی که به زیبایی به تصویر کشیده شده است. ژول‌ورن در شکل‌گیری حوادث این رمان و همچنین روایت یک‌دست این کتاب بسیار موفق عمل کرده طوری که مخاطب را تا آخرین صفحه کتاب با خود همراه می‌سازد.



سید گروه فرهنگ دریایی-حجت حاجی زاده- در روشنی آغازین دهه ای که آمده است تا نام نامی خلیج فارس را چون رازی سرگشوده در گوش زمان نجوا کند، گامی بایسته برداشته شد؛ پلی نمادین، نه از سر ابتکاری فردی، که بر خاسته از ضرورتی تاریخی و فرهنگی، از کرانه‌های آشنای دریا به سوی قلب تپنده پسرانه‌ها در گراش کشیده شد. این سفر، بیش از آنکه حرکتی اداری باشد، پیمودن مسیری بود که خود تاریخ و هویت این آب و خاک، آن را طلب میکرد؛ مسیری که نشان میداد پهنه نیلگون خلیج فارس، بی‌پیوند با ریشه‌های عمیقش در خاک پسرانه، داستانی ناتمام است. به گزارش روزنامه سرآمد، حجت حاجی زاده پژوهشگر مطالعات بینا فرهنگی خلیج فارس در نوشتاری به روزنامه سرآمد آورده است: مقصد، آرامستان پیر خاندان دهباشی بود؛ خاکی که امانتدار مردی است که عمرش را وقف ترسیم همین پیوند ناگسستنی میان جغرافیا، فرهنگ و تاریخ

ابتکار عمل دبیر جشنواره بین‌المللی خلیج فارس برای همگرایی ساکنان

کرانه‌ها و پسرانه‌های خلیج فارس

«آرامگاه استاد اقتداری» میعاد‌گاه فرهنگ‌وران و میراث‌بانان خلیج فارس

شادروان اقتداری در آرامستان خاندان دهباشی در بافت تاریخی شهر گراش آرمیده است؛ بر همین اساس، آرامگاه او، میعاد‌گاه دیدار دبیر پانزدهمین جشنواره بین‌المللی خلیج فارس با فرهنگ‌وران جنوب فارس بر سر مزار و آرامگاه ابدی یکی از بزرگ‌ترین راویان فرهنگ و تمدن خلیج فارس نقطه کانونی این سفر مورد انتخاب قرار گرفت.

حضور دبیر پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فرهنگی هنری خلیج فارس بر مزار زنده‌یاد دکتر اقتداری در آرامستان تاریخی خاندان دهباشی شهر گراش؛ دیداری نمادین بود که در جوار آرامگاه ابدی یکی از بزرگ‌ترین پژوهشگران و راویان فرهنگ و تمدن خلیج فارس، بسر پیوند عمیق فرهنگی و تاریخی کرانه‌ها و پسرانه‌های این پهنه آبی مورد تأکید قرار گرفت.

جلالی در بخشی از اظهاراتش پیرامون رویکردهای جدید جشنواره بین‌المللی خلیج فارس گفت: این حرکت، فصل جدیدی در تعاملات فرهنگی جشنواره با مناطق پیرامونی و تأثیرگذار بر هویت تمدنی خلیج فارس محسوب می‌شود.

وی افزود: استاد اقتداری در زمان حیات خود، طی دو دهه اخیر همواره مشوق متولیان و برگزارکنندگان دبیرخانه جشنواره برای پرداختن به اشتراکات فرهنگی و هم‌پیوندی هویتی ساکنان کرانه‌ها و پسرانه‌های خلیج فارس بود.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هرمزگان با بیان اینکه دوره پانزدهم جشنواره، رویکردی آغازبخش برای مجموعه‌ای از رویدادها تا اردیبهشت ماه سال آینده دارد، از فرهنگ‌وران منطقه جنوب استان فارس و کنشگران حوزه‌های پژوهشی و فرهنگی-هنری این منطقه خواست طی ۳۶۵ روز آینده بسا تأکید بر اشتراکات و تعاملات بینا فرهنگی، همداستان و همدل و همراه ایده‌پردازان و برگزارکنندگان باشند.

شایان ذکر است، ۲۷ فروردین ماه ۱۴۰۴ ششمین سالگرد درگذشت استاد اقتداری بود.

یک پژوهشگر مطالعات بینا فرهنگی

خلیج فارس به «روزنامه سرآمد» نوشت:

میراث‌بانی خلیج فارس از کرانه تا پسرانه

ساحل سپرد و چشم به استواری پسرانه دوخت.

سرخن از فصلی نو به میان آمد؛ نه فصلی که کسی آغازگرش باشد، بلکه فصلی که زمان بازگشودنش فرارسیده بود. بازگشتی آگاهانه به ضرورت تعامل میان این دو پاره جدایی‌ناپذیر از هویت بزرگ ایرانی. این حرکت، آغازی بود برای مسیری سیصد و شصت و پنج روزه، دعوتی بود برای هم‌افزایی اندیشه‌ها و هنرها، تا شریان حیاتی میان دریا و خشکی، پر خون‌تر از همیشه بتپد و روایت‌های مشترک، این بار رساتر و کامل‌تر بیان شوند.

پانزدهمین جشنواره فرهنگی هنری خلیج فارس، با تمام بخش‌هایش، مجالی خواهد بود برای دیدن تصویر کامل این هویت؛ تصویری که در آن، موج دریا و خاک پسرانه، در هم تنیده‌اند. دیدار گراش، بیش از هرچیز، یادآور این حقیقت بود که استحکام و ماندگاری نام خلیج فارس، در گرو شناخت، احترام و تقویت همین پیوند حیاتی و ناگزیر میان آبی دریا و استواری خاک پسرانه‌هایش است. این یک ضرورت است، نه یک انتخاب؛ چرا که خلیج فارس، با تمامیتش، از موج تا خاک، برای همیشه فارس خواهد ماند.



او (زاده ۳ خرداد ۱۳۰۴—درگذشته به تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۹۸) که با نام احمدخان اقتداری نیز شناخته می‌شود ایران‌شناس، پژوهشگر خلیج فارس و جغرافیای تاریخی و فرهنگی مناطق جنوبی ایران و استاد دانشگاه ایرانی بود. او از خاندان خوانین گراش در دوران قاجار بود و منصب‌هایی چون ریاست اداره فرهنگ لارستان و شهرداری لارا در جوانی بر عهده داشت. همچنین سابقه نامزدی برای نمایندگی مجلس شورای ملی از حوزه لارستان، تدریس در دانشگاه تهران و ریاست دفتر مطالعات خلیج فارس در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی از دیگر سمت‌هایی است که در زندگینامه دکتر اقتداری به چشم می‌خورد.

این ایران‌شناس بزرگ، معرف اصلی شادروان محمدعلی خان سدیدالسلطنه کیانی مینابی بندرعباسی (پدر مطالعات نوین خلیج فارس شناسی) و تحشیه نگار کتاب‌ها و آثار مرحوم سدید بود.

بدون شرح

قالب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریداعیزی -اقتصاد سرآمد